

## اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی: آزمودن یک مدل میانجی

رضا خجسته‌مهر<sup>۱</sup>

شمسعلی سبحانی‌جو<sup>۲</sup>

غلامرضا رجبی<sup>۳</sup>

### چکیده

مطالعات نشان می‌دهد که دیدگاه فهمی می‌تواند تأثیر مهمی بر کیفیت زناشویی افراد داشته باشد. این تأثیر می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و در تعامل با سایر متغیرهای روان‌شناختی از قبیل الگوهای ارتباطی باشد. این مطالعه با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی از طریق الگوهای ارتباطی (الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری، الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل) بر کیفیت زناشویی انجام شد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۳۰۰ نفر زن و مرد بودند که از بین معلمان متأهل شهر اهواز با روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به مقیاس دیدگاه فهمی خود (SDPT)، مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) و پرسشنامه کیفیت زناشویی (QMI) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها از طریق مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) و اثرات غیرمستقیم از طریق آزمون بوت استرپ انجام شد. مدل ارزیابی شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری دیدگاه فهمی همسر به صورت مستقیم پیش‌بین مثبت کیفیت زناشویی است. دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر به صورت غیرمستقیم از طریق الگوی ارتباطی سازنده متقابل پیش‌بین مثبت کیفیت زناشویی و الگوی ارتباطی سازنده متقابل به صورت مستقیم پیش‌بین مثبت کیفیت زناشویی است. الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری و الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل به صورت مستقیم پیش‌بین منفی کیفیت زناشویی است. همچنین دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر به صورت غیرمستقیم از طریق الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل و الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری پیش‌بین منفی کیفیت زناشویی است.

**واژگان کلیدی:** رضایت زناشویی، همدلی، الگوهای ارتباطی.

۱- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

Email:khojasteh\_r@scu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مشاوره خانواده

۳- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

## مقدمه

توافق اندکی در تعریف مفهوم کیفیت زناشویی وجود دارد و این عدم توافق به فقدان یک نظریه جامع و واضح در مورد کیفیت زناشویی برمی‌گردد (گلن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). اسپاینر و لوئیس<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) معتقدند که کیفیت زناشویی یک پدیده چند بعدی است که در تحقیقات سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. کیفیت زناشویی یک تصویر ثابت از طبقه‌بندی‌های پیوسته را در برنمی‌گیرد بلکه طیفی را منعکس می‌کند که ویژگی‌های برجسته‌ای از تعاملات و عملکردهای زناشویی را دربر می‌گیرد. مثلاً یک کیفیت بالا در مقابل یک کیفیت پایین زناشویی. اصطلاحاتی مانند سازگاری، رضایت، شادی، انسجام و تعهد برای توصیف کیفیت زناشویی به کار برده می‌شوند (لوئیس و اسپاینر، ۱۹۷۹).

کیفیت زناشویی مفهومی پویاست، ماهیت و کیفیت روابط زناشویی می‌تواند در طول زمان تغییر کند (لارسون و هولمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). وجود رابطه سالم در هر خانواده‌ای که زن و شوهر به راحتی بتوانند نیازهای خود را بیان کنند و بدون هیچ گونه دغدغه‌ای احساسات مثبت و منفی خود را از رابطه یا شریک زندگی در میان بگذارند، آرزوی هر فرد در هنگام تشکیل زندگی است. پژوهشگران مختلفی نشان دادند که کیفیت زناشویی با پریشانی کمتر، بیماری‌های جسمی و روانی کمتر و پیامدهای مثبت زیادی، رابطه دارد (ویلیامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ امبرسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ رز، ۱۹۹۰؛ بالاندا و برون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ آماتو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از آلدورف<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲).

محققان و روانشناسان به‌طور فزاینده‌ای به‌نقشی که شناخت‌ها در عملکرد زناشویی زوجین ایفا می‌کند توجه نشان دادند. به‌ویژه اینکه، شناخت‌های زوجین درباره روابطشان به‌طور علی با درماندگی زناشویی رابطه دارد (برادبری و فینچام<sup>۹</sup>، ۱۹۹۰؛ کوهن و سایرین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵). وقتی که افراد رفتارهایشان را در موقعیت‌های اجتماعی به‌علت فهمیدن

1- Glenn  
3- Larson & Holman  
5- Umberson  
7- Amato  
9- Bradbury & Fincham

2- Lewis & Spanier  
4- Williams  
6- Bulanda & Brown  
8- Allendorf  
10- Kohn & Sayers

دیدگاه دیگران اصلاح می‌کنند باعث اثربخشی تعاملات اجتماعی‌شان می‌شود (فیفِر و ساچوتلیف<sup>۱</sup>، ۱۹۶۶؛ تارنر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸؛ به نقل از لانگ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین ادراکات زوجین و کیفیت زناشویی رابطه وجود دارد، روش‌هایی که زوجین یکدیگر را درک، تفسیر و ارزیابی می‌کنند و حوادثی که در رابطه‌شان رخ می‌دهد تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی آنها دارد (برای مثال، اپستین و باکوم<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ کارنی و گوئر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوهای ارتباطی نقش مهمی در کیفیت زناشویی دارد (ویس و هیمن<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰؛ جانسون و بوث، ۱۹۹۸؛ لوالو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷ به نقل از هفینر و لوینگ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). برای مثال لوئیس و اسپاینر (۱۹۷۹) گزارش کردند که توجه مثبت، ارتباط عاطفی، فقدان تعارض نقش و خشنودی عاطفی می‌تواند به کیفیت زناشویی بالاتر منجر شود. همچنین زوجین در تفسیر رفتارها و نیت‌های واقعی یکدیگر برداشت‌ها و استنباط‌های شخصی را دخالت می‌دهند، آنها با در نظر گرفتن اینکه آیا همسرشان به آنها گوش می‌دهد، با آنها همدلی کرده، در حال سرزنش و متهم‌سازی است یا از موضوع طفره می‌رود. رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند (سیلارز، روبرتز و لئونارد<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰).

استحکام و تداوم روابط زناشویی به وجود عناصری بستگی دارد. از نظر لانگ (۱۹۹۰)، یکی از عواملی که بر کیفیت و بقای رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد دیدگاه فهمی است. دیدگاه فهمی یکی از پیش‌بین‌های مهم کیفیت زناشویی است.

دیدگاه فهمی به طور صریح روی مولفه شناختی مربوط به حساسیت همدلانه تمرکز دارد. از میان فرایندهای روانی که تعاملات اجتماعی را تسهیل و هموار می‌سازد، همدلی<sup>۱</sup> نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کند (دیستی، ۲۰۱۰). دیدگاه فهمی نوع خاصی از همدلی است، توانایی فرد جهت فهمیدن و درک جایگاه و موقعیت فرد دیگر، که بتوانیم شبیه او فکر کنیم (دیویس، ۱۹۸۰؛ به نقل از کورین، موس - راکوسین، دیانا و سانچز،

1- Fiffer &amp; Suchotliff

3- Long

5- Karney and Gauer

7- Lovallo

9- Sillars, Roberts &amp; Leonard

2- Turner

4- Epstein &amp; Baucom

6- Weiss &amp; Heyman

8- Heffner &amp; Loving

10- Empathy

۲۰۱۰). دیدگاه فهمی نوعی گرایش ذهنی است، برای اینکه افراد خود را جای دیگری بگذارند (دایموند<sup>۱</sup>، ۱۹۴۹؛ فوت و کوتزل<sup>۲</sup>، ۱۹۵۵؛ به نقل از لانگ، ۱۹۹۰). دیدگاه فهمی یک فرایند شناختی فعال است که در آن افراد باید بر دیدگاه خودمحورشان غلبه کرده و دنیا را به صورتی که برای دیگران پدیدار می‌شود تصور نمایند (پیاژه<sup>۳</sup>، ۱۹۳۲). رشد شناختی علت پنهانی دیدگاه فهمی بوده و این موضوع باعث می‌شود که دیدگاه فهمی در تعاملات اجتماعی موثر باشد (مید<sup>۴</sup>، ۱۹۳۴؛ سلیگمن و بیرن<sup>۵</sup>، ۱۹۷۴؛ ۱۹۸۰). بدون فهم نقطه نظرات دیگران، فرد ممکن است تعاملاتی داشته باشد که توسط شریکش به صورت نامناسبی ادراک شود. برعکس افرادی که توانایی فهم دیدگاه دیگران را دارند ممکن است دیدگاه مثبت‌تری داشته باشند و می‌توانند نیازها، علایق و آرزوهای دیگری را بهتر برآورده سازند (فیفر و ساچوتلیف، ۱۹۶۶؛ تارنر، ۱۹۷۸؛ به نقل از لانگ، ۱۹۹۰). دیدگاه فهمی، توسعه روابط هموار را تسهیل می‌کند (دیویس، ۱۹۸۳). پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد که نمرات بالا در دیدگاه فهمی با کارکرد اجتماعی بالایی افراد همبستگی زیادی دارد و همچنین دیدگاه فهمی با رضایت از رابطه و همچنین رضایت زناشویی همبستگی مثبتی دارد (میر<sup>۶</sup> و دیگران، ۱۹۹۸؛ به نقل از پارک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). گرایش‌های دیدگاه فهمی در روابط یاورانه<sup>۸</sup> و همچنین روابط نزدیک باعث رضایت از رابطه می‌شود (مارتینی، گروس و برناردینی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱). دیدگاه فهمی ممکن است به اجتناب از موقعیت‌های تعارضی کمک کند، مخصوصاً هنگامی که بیشتر از تشویق و موافقت استفاده می‌شود نسبت به زمانی که تضاد و مخالفت وجود دارد (فرانزوی<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۱۹۸۵). دیدگاه فهمی بیشتر با سطوح بالاتر گذشت و توانایی‌های حل مساله مرتبط است. زوجینی که دیدگاه یکدیگر را درک می‌کنند به دلیل گذشت بیشتر احتمال دارد که تعاملات مثبت‌تری داشته باشند و بنابراین احتمال بیشتری هست که در روابطشان حمایت‌کننده‌تر باشند (ریزکالا، ورتیم و هاگسان، ۲۰۰۸؛ به نقل از شی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹). رضایت

1- Dymond

3- Piaget

5- Seligman &amp; Byrne

7- Park

9- Martini, Grusec &amp; Bernardini

11- Shih

2- Foote &amp; Cottrell

4- Mead

6- Meyer

8- helping relationships

10- Franzoi

زناشویی زنان به‌طور مثبت با دیدگاه فهمی همدلانه شوهران آنها رابطه دارد هیچ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹). توانایی درک دیدگاه شریک مخصوصاً در زمان تعارض، سازگاری زناشویی بالا را پیش‌بینی می‌کند (دیویس و اوئوت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲؛ لانگ و اندروز، ۱۹۹۰). نتایج پژوهش لانگ و اندروز<sup>۳</sup> (۱۹۹۰)، نشان می‌دهد که دیدگاه فهمی عمومی هم برای زنان و هم برای مردان پیش‌بین خوبی برای رضایت زناشویی خواهد بود. همچنین دیدگاه فهمی زوجی نیز پیش‌بین قوی برای رضایت زناشویی است. دیویس و اوئوت<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) به بررسی مدلی پرداختند که عوامل موثر بر رضایت و خشنودی شریک را بررسی می‌کرد. این مدل رویکردی پدیدارشناختی را ارائه می‌دهد که فرض می‌کند، رضایت از رابطه تنها متأثر از رفتار یکی از زوجین نیست، بلکه ادراک‌های افراد از رفتار یکدیگر نیز بر این خشنودی اثر می‌گذارند. ادراک یک عامل نیرومند بر کیفیت و رضایت رابطه زوجین است. همچنین دیویس و اوئوت (۱۹۸۷) معتقدند که دیدگاه فهمی یکی از زوجین باعث می‌شود که فرد مقابل از رابطه خشنود شود و همین‌طور خشنودی از رابطه نیز بر ادراک فرد از طرف مقابل اثر مثبت دارد. بنابراین دیدگاه فهمی و درک دیدگاه فهمی فرد دیگر به‌طور مثبتی بر رضایت اثر می‌گذارد.

جنسن<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) در یک تحقیق به بررسی مدلی پرداخت که عوامل موثر بر کیفیت زناشویی و ثبات زناشویی را بررسی می‌کرد. در این مدل اثر ویژگی‌های شخصیتی (شامل دیدگاه فهمی، حمایت اجتماعی، حمایت زوجی و...) و رویدادهای استرس‌زا بر روند سازگاری و تأثیر آنها بر کیفیت زناشویی و ثبات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. یکی از ویژگی‌های شخصیتی که مورد بررسی قرار گرفت، دیدگاه فهمی بود. نتایج پژوهش همچنین نشان داد: ۱- بین دیدگاه فهمی و رضایت از رابطه، همبستگی مثبت وجود دارد. ۲- بین دیدگاه فهمی شوهر و رضایت زناشویی همسران آنها ارتباط زیادی وجود دارد. مدل مورد بررسی جنسن به‌طور کلی نشان داد که دیدگاه فهمی زوج‌ها بر روند سازگاری و همچنین کیفیت زناشویی آنها اثر مثبت دارد. نتایج تحقیقات شی و همکاران

1- Hatch

3- Long &amp; Andrews

5- Jensen

2- Oathout

4- Davis &amp; Oathout

همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که توانایی دیدگاه فهمی رابطه مثبتی با پیامدهای رابطه دارد. داکوف و تایلر<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) معتقدند که ویژگی شخصی دیدگاه فهمی می‌تواند حمایت خوبی برای زوج‌هایی که فرزند جوان دارند فراهم نماید. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که درست فهمیدن دیدگاه همسران، باعث حمایت زوجی بهتر می‌شود.

استیتس<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) سه ویژگی تأثیرگذار را در روابط بررسی کرد. این سه ویژگی عبارتند از: الف) اعتماد<sup>۳</sup>، ب) دیدگاه فهمی، ج) تعارض. وی رابطه این ویژگی‌ها را با کنترل در روابط، مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش او مشخص ساخت هنگامی که اعتماد در روابط زیاد و دیدگاه فهمی بالایی وجود داشته باشد، اعمال کنترل در روابط کاهش می‌یابد و همچنین اعتماد و دیدگاه فهمی باعث کاهش موقعیت‌های تعارض‌زا می‌شوند. دیدگاه فهمی نیز باعث افزایش اعتماد در روابط می‌شود. کاهش دیدگاه فهمی و اعتماد باعث افزایش کنترل و تعارض می‌شوند.

یافته‌ها نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش سازگاری زناشویی می‌شود (برای مثال، جاکوبوسکی و ماین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ کارول و دورتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین الگوهای ارتباطی غیرسازنده (اجتنابی و توقع/کناره‌گیری) و کیفیت زناشویی همبستگی منفی وجود دارد (برای مثال، شعاع کاظمی، ۱۳۸۹؛ حسن‌پور، ۱۳۸۹؛ کاهولین و هاستن، ۲۰۰۲؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۷؛ ویچر، ۲۰۰۵). الگوی ارتباطی سازنده متقابل (الگویی که در آن زوجین در مورد مشکلات ارتباطی خودشان گفتگو می‌کنند، راه‌حل پیشنهاد می‌کنند و همدیگر را درک می‌کنند)، باعث افزایش کیفیت زناشویی و خشنودی زناشویی می‌شود (شعاع کاظمی، ۱۳۸۹؛ حسن‌پور، ۱۳۸۹).

با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد نقش دیدگاه فهمی و الگوهای ارتباطی بر کیفیت زناشویی یک مدل مفهومی طراحی و با استفاده از روش تحلیل مسیر

1- Dakof &amp; Taylor

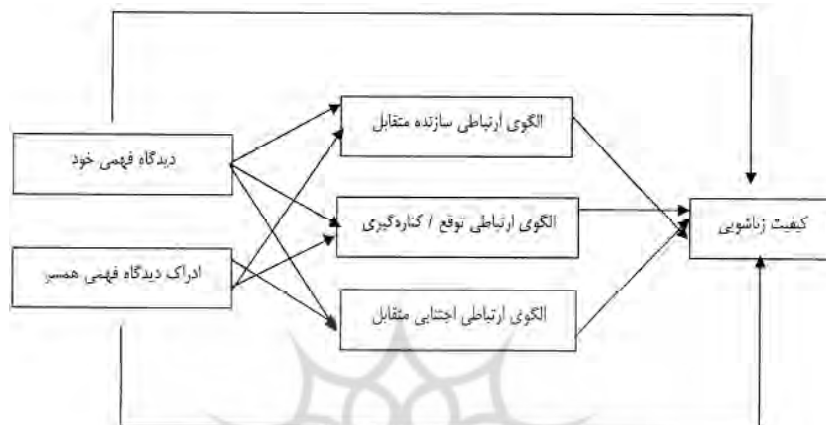
3- Trust

5- Carroll &amp; Doherty

2- Stets

4- Jacoboski &amp; Mine

مورد بررسی قرار گرفت.



شکل (۱) مدل پیشنهادی اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیشنهادی: اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی برآزنده داده‌ها می‌باشد؟ بر اساس مدل فرض شده، دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق (الگوی ارتباطی سازنده متقابل) باعث افزایش کیفیت زناشویی می‌شود. الگوی ارتباطی سازنده متقابل به صورت مستقیم باعث افزایش کیفیت زناشویی می‌شوند. همچنین الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری و الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل به صورت مستقیم باعث کاهش کیفیت زناشویی می‌شوند. دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر به صورت غیرمستقیم از طریق (الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل و الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری) باعث کاهش کیفیت زناشویی می‌شوند.

در مشاوره زناشویی که زوجین باعث رنجش یکدیگر شده‌اند، آموزش الگوهای ارتباطی و دیدگاه فهمی می‌تواند به شکستن الگوهای تکراری و مخرب تعامل‌هایی که تداوم‌بخش تنش زناشویی است، کمک زیادی کند. بررسی رابطه‌ی مستقیم و غیرمستقیم

(از طریق الگوهای ارتباطی) دیدگاه‌فهمی بر کیفیت زناشویی هدف اصلی این پژوهش است.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر، طرح همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> (SEM) است که یک روش همبستگی چندمتغیری است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه معلمان متأهل شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش اهواز انتخاب شدند. ابتدا از بین نواحی چهارگانه آموزش و پرورش، دو ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از میان معلمان این نواحی تعداد ۳۰۰ نفر (۱۴۶ نفر مرد و ۱۵۴ نفر زن) را به صورت تصادفی انتخاب کرده و پاکت‌های حاوی پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۳۶/۸ و ۶/۹۷ سال بود. طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان با میانگین ۱۱/۵۱ و انحراف استاندارد ۶/۸ سال و میانگین و انحراف استاندارد تحصیلات آن‌ها به ترتیب ۱۵/۵ و ۰/۹۳ کلاس بود.

### ابزارهای سنجش

مقیاس‌های دیدگاه فهمی زوجی<sup>۲</sup> (DPTS): لانگ در سال (۱۹۹۰)، مقیاس دیدگاه فهمی (PT) را که خرده‌مقیاسی از شاخص واکنش بین فردی<sup>۳</sup> (دیویس، ۱۹۸۰) است، برای اندازه‌گیری به دو مقیاس جداگانه در روابط زناشویی گسترش داد. یکی از این مقیاس‌ها، دیدگاه فهمی خود و دیگری مقیاس دیدگاه فهمی همسر است. ماده‌های اولیه این مقیاس شامل ۴۶ ماده بود که پس از تحلیل عوامل با چرخش واریماکس، تعداد ماده‌های آن به ۳۳ ماده کاهش یافت. ۱۳ ماده آن برای سنجش دیدگاه فهمی خود و ۲۰

1- Structural Equation Modeling  
3- Interpersonal Reactivity Index

2- Dyadic Perspective Taking Scale



ماده برای سنجش ادراک دیدگاه فهمی همسر است. مقیاس دیدگاه فهمی خود، شامل ماده‌های است که دیدگاه افراد را در روابط زوجی اندازه‌گیری می‌کند. همچنین مقیاس دیدگاه فهمی همسر شامل ماده‌هایی است که ادراک افراد تکمیل‌کننده و پرسشنامه را از میزان دیدگاه فهمی همسرشان می‌سنجد (یعنی اینکه از دیدگاه تکمیل‌کننده پرسشنامه همسرش چقدر دیدگاه فهم است). نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک درجه‌بندی بر اساس روش لیکرت در دامنه‌ای از ۰ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) است. نمره بیشتر در مقیاس اول نشان‌دهنده دیدگاه فهمی بیشتر خود و در مقیاس دوم نشان‌دهنده دیدگاه فهمی بیشتر همسر است. لانگ (۱۹۹۰) پایایی این دو مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ برای مقیاس دیدگاه فهمی خود ۰/۸۹ و برای مقیاس دیدگاه فهمی همسر ۰/۹۴ گزارش کرد. همچنین ضریب همبستگی بین ماده‌های این مقیاس‌ها با نمره کل آنها را در دامنه‌ای بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. همچنین همبستگی آن با پرسشنامه همدلی هوگان (۱۹۶۹) مثبت و معنی‌دار گزارش شده است. در پژوهش حاضر ضرایب پایایی به روش بازآزمایی برای مقیاس دیدگاه فهمی خود و مقیاس دیدگاه فهمی همسر به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد. محاسبه روایی سازه از طریق همبسته کردن مقیاس‌های دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ<sup>۱</sup> (ENRICH)، به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۶ (همگی در سطح معنی‌داری  $P < 0.01$ ) به دست آمد.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی<sup>۲</sup> (CPQ): پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستنسن و سالووی، ۱۹۸۴؛ به نقل از عبادت پور، ۱۳۷۹) یک پرسشنامه ۳۵ سوالی است. پاسخ‌ها در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از ۱ (غیرممکن است) تا ۹ (خیلی ممکن است) درجه‌بندی شده، رفتارهای زوجین در طول سه مرحله از تعارض زناشویی اندازه‌گیری می‌شود.

همچنین دارای سه خرده‌مقیاس است، مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری. نمره بالا در مقیاس سازنده متقابل، بیانگر

1- Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness

2- Communication Patterns Questionnaire

ارتباط بهتر و نمره‌های پایین نشان‌دهنده ارتباط بدتر است. اما نمره بالا در دو مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری و اجتنابی متقابل نشان‌دهنده بدتر و نمره پایین نشان‌دهنده ارتباط بهتر است. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل و مقیاس ارتباط توقع/کناره‌گیری برای نمونه‌های آمریکایی بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۵ (اکتینز و همکاران، ۲۰۰۵؛ کریستنسن و هوی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰، ۱۹۹۸) برای نمونه‌های سوئیسی و آلمانی بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ (بودنمن<sup>۲</sup>، کاسیر و هالچ، ۱۹۹۸) گزارش شده است. این پرسشنامه در ایران توسط عبادت‌پور (۱۳۷۹) اعتبار یابی شده است. ضرایب پایایی آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زنان ایرانی در خرده‌مقیاس‌های یاد شده به ترتیب ۰/۷۰ (ارتباط سازنده متقابل) ۰/۶۴ (ارتباط کناره‌گیری/کلی)، و ۰/۷۱ (ارتباط اجتنابی متقابل و برای مردان ۰/۶۴، ۰/۷۳، ۰/۵۷ بدست آمد. (عبادت‌پور، ۱۳۷۹؛ به نقل از خجسته‌مهر، شیرالی و عطاری، ۱۳۸۷). روایی همگرایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی از طریق اجرای همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه همسران محاسبه شد (بودمن و همکاران، ۱۹۹۸). نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی پرسشنامه همسران<sup>۳</sup> با نمره مقیاس ارتباط سازنده متقابل همبستگی معنادار ۰/۶۳، با نمره مقیاس توقع/کناره‌گیری همبستگی معنادار ۰/۵۱- و با نمره مقیاس اجتنابی متقابل همبستگی معنادار ۰/۵۸- وجود دارد. همه این ضرایب در سطح  $P < 0.01$  معنادار بودند. در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۷) ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی برای نمونه‌ای از آزمودنی‌های زن و مرد بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۳ محاسبه شده است. روایی همگرایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی از طریق اجرای همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی برای مقیاس‌های ارتباط سازنده متقابل، اجتنابی متقابل و توقع/کناره‌گیر به ترتیب ۰/۴۶، ۰/۳۹- و ۰/۴۷ محاسبه شد که همگی در سطح معناداری ۰/۰۰۱ معنادار بودند. ضرایب پایایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۷۴، برای زنان ۰/۷۳ و برای مردان ۰/۷۵

1- Heavy  
3- Partnership Questionnaire

2- Bodenman

و با روش تنصیف برای کل نمونه ۰/۵۹، برای زنان ۰/۵۱ و برای مردان ۰/۷۶ به دست آمده است.

پرسشنامه کیفیت زناشویی<sup>۱</sup> (QMI): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط نورتون<sup>۲</sup> ساخته شده است و در ایران توسط خجسته مهر، کرایبی و رجبی (۱۳۸۹) ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه یک ابزار شش سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به‌کارگیری عبارتهای کلی مانند (ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را در پنج سؤال پرسشنامه در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. سؤال ششم که یک سؤال کلی است آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کرده اند. اسپنرمن- کروک<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)؛ به نقل از فینچام و همکاران، (۲۰۰۲) نیز پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷ گزارش کرده است. خجسته مهر و همکاران (الف ۱۳۸۹) برای بررسی روایی سازه‌ی این پرسشنامه از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) استفاده کردند و ضریب روایی سازه آن را ۰/۷۷ گزارش کردند که در سطح ( $P < ۰/۰۰۱$ ) معنی‌دار است. در پژوهش حاضر نیز برای بررسی ضریب پایایی این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه‌سازی استفاده شد که ضرایب پایایی با استفاده از هر دو روش مذکور ۰/۸۹ به دست آمد. ضرایب پایایی پرسشنامه کیفیت زناشویی در پژوهش حاضر برای کل نمونه، با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب در مردان ۰/۹۶ و ۰/۹۳ و در زنان ۰/۹۷ و ۰/۹۶ به دست آمد.

#### یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های آماری شرکت کنندگان در پژوهش را در بین متغیرهای پژوهش حاضر نشان می‌دهد.

1- Quality of Marriage Index  
3- Schnurman- Crook

2- Norton

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

| متغیر                          | میانگین | انحراف استاندارد |
|--------------------------------|---------|------------------|
| دیدگاه فهمی همسر               | ۴۲/۱۵   | ۱۸/۴۵            |
| دیدگاه فهمی خود                | ۲۲/۸    | ۸/۶۷             |
| الگوی ارتباطی سازنده متقابل    | ۱۹/۳۷   | ۴/۴۱             |
| الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیر | ۱۱/۷۸   | ۵/۲۷             |
| الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل   | ۹/۹۶    | ۲/۱۷             |
| کیفیت زناشویی                  | ۳۸/۸۶   | ۷/۸۰             |

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۲ گزارش شده است. همان طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، کلیه ضرایب همبستگی به دست آمده بین متغیرهای پژوهش در سطوح  $P < 0/01$  معنی‌دار هستند.

جدول (۲) ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

| ردیف | متغیرهای پژوهش               | ۱ | ۲      | ۳      | ۴       | ۵       | ۶       |
|------|------------------------------|---|--------|--------|---------|---------|---------|
| ۱    | دیدگاه فهمی خود              | - | ۰/۸۶** | ۰/۸۴** | -۰/۸۱** | -۰/۷۸** | ۰/۷۹**  |
| ۲    | دیدگاه فهمی همسر             | - | -      | ۰/۹۳** | -۰/۹۱** | -۰/۸۴** | ۰/۹۰**  |
| ۳    | الگوی ارتباطی سازنده متقابل  | - | -      | -      | -۰/۹۱** | -۰/۸۳** | ۰/۹۲**  |
| ۴    | الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر | - | -      | -      | -       | ۰/۸۴**  | -۰/۸۷** |
| ۵    | الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل | - | -      | -      | -       | -       | -۰/۷۷** |
| ۶    | کیفیت زناشویی                | - | -      | -      | -       | -       | -       |

$P < 0/01$  \*\*     $P < 0/05$  \*

به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، روابط بین متغیرها با استفاده از روش تحلیل مسیر با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ویرایش ۱۸ و AMOS ویرایش ۷ انجام گرفت. در الگوی پیشنهادی از مجموع ۶ متغیر مورد بررسی ۲ متغیر به عنوان متغیرهای برونزاد، ۳ متغیر به عنوان متغیرهای میانجی و یک متغیر به عنوان متغیر درون‌زاد مورد بررسی قرار گرفتند. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی مورد بررسی قرار

گرفت. برازش الگوی اولیه بر اساس شاخص‌های برازندگی ارزیابی گردید. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی مانند شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، اما بعضی از شاخص‌ها مانند نسبت مجذور کای به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)، شاخص برازندگی توکر-لوئیس (TLI)، شاخص نیکویی برازندگی تطبیقی (AGFI) نشان دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. برای ارتقای برازندگی الگوی اصلی علاوه بر حذف مسیر غیرمعنادار (مسیر دیدگاه فهمی خود به کیفیت زناشویی)، یک اصلاح نیز انجام گرفت که در الگوی نهایی نشان داده شده است. با اضافه نمودن این اصلاحات تناسب مدل به صورت معناداری افزایش یافت.

جدول (۳) برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

| RMSEA | NFI   | CFI   | TLI   | IFI   | AGFI  | GFI   | $\chi^2/df$ | df | $\chi^2$ |                |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------------|----|----------|----------------|
| ۰/۳۳  | ۰/۹۶۴ | ۰/۹۶۵ | ۰/۸۲۴ | ۰/۹۶۵ | ۰/۷۲۲ | ۰/۸۶۹ | ۳۷/۲۱       | ۳  | ۱۱۱/۶۵   | الگوی پیشنهادی |
| ۰/۰۱  | ۰/۹۹۹ | ۰/۹۹۸ | ۰/۹۹۶ | ۰/۹۹۹ | ۰/۹۸۵ | ۰/۹۹۷ | ۰/۲۲        | ۱  | ۰/۲۲     | الگوی نهایی    |

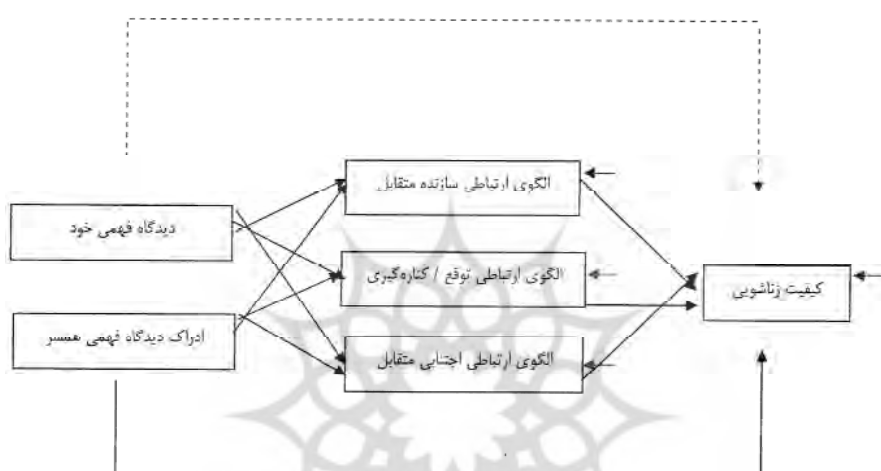
همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به‌ویژه نسبت مجذور کای به درجه آزادی برابر ۰/۲۲ (ملاک کمتر از ۲)، شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> (GFI) برابر ۰/۹۹۷، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته<sup>۲</sup> (AGFI) برابر ۰/۹۸۵، شاخص برازندگی مقایسه‌ای<sup>۳</sup> (IFI) برابر ۰/۹۹۹، شاخص برازندگی افزایشی<sup>۴</sup> (CFI) برابر ۰/۹۹۸، شاخص برازش هنجار شده<sup>۵</sup> (NFI) برابر ۰/۹۹۹ و ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات<sup>۶</sup> (RMSEA) برابر ۰/۰۱ است که نشان می‌دهد مدل نهایی از برازندگی مناسبی برخوردار است. همچنین همه روابط موجود بین متغیرها در مدل در سطح

1- Goodness of Fit Index  
3- Comparative Fit Index  
5- Normalized Fit Index

2- Adjusted Goodness of Fit Index  
4- Incremental Fit Index  
6- Root Mean Squared Error of Approximation

$p < 0/05$  معنادار می‌باشد.

شکل ۲ الگوی نهائی تأیید شده را نشان می‌دهد (مسیر حذف شده با خط شکسته مشخص شده).



شکل (۲) مدل نهایی رابطه مستقیم و غیرمستقیم (از طریق الگوهای ارتباطی) دیدگاه‌فهمی بر کیفیت زناشویی معلمان متأهل شهر اهواز (موارد خطا)

جدول (۴) الگوی ساختاری: مسیرهای مستقیم و ضرایب استاندارد آن‌ها در الگوی نهایی

| مسیر  | $\beta$ | سطح معنی‌داری |
|---|---------|---------------|
| دیدگاه فهمی خود $\rightarrow$ الگوی ارتباطی سازنده متقابل   | ۰/۱۳    | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی همسر $\rightarrow$ الگوی ارتباطی سازنده متقابل  | ۰/۸۲    | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی همسر $\rightarrow$ الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل | -۰/۶۲   | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی خود $\rightarrow$ الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل  | -۰/۲۵۲  | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی همسر $\rightarrow$ الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر | -۰/۸۱   | $< 0/05$      |
| الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر $\rightarrow$ کیفیت زناشویی    | -۰/۱۵۱  | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی همسر $\rightarrow$ کیفیت زناشویی                | ۰/۳۱۲   | $< 0/05$      |
| الگوی ارتباطی سازنده متقابل $\rightarrow$ کیفیت زناشویی     | ۰/۵۷۳   | $< 0/05$      |
| دیدگاه فهمی خود $\rightarrow$ کیفیت زناشویی                 | ۰/۰۰۶   | $> 0/05$      |

بر اساس مندرجات جدول ۴ به جز مسیر دیدگاه فهمی خود به کیفیت زناشویی سایر ضرایب مسیرهای مستقیم مربوط به مدل نهایی در سطح  $P < 0/05$  معنی‌دار هستند. برای بررسی فرضیه‌های مبنی بر اثرات غیرمستقیم متغیرها، از روش بوت استراپ<sup>۱</sup> استفاده شد.

جدول (۵) نتایج آزمون بوت استراپ برای مسیرهای واسطه‌ای

| فاصله اطمینان | حد بالا | حد پایین | بوت استراپ   |               |                              | مسیرهای واسطه‌ای |              |             |        |
|---------------|---------|----------|--------------|---------------|------------------------------|------------------|--------------|-------------|--------|
|               |         |          | متغیر وابسته | متغیر میانجی  | متغیر مستقل                  | متغیر وابسته     | متغیر میانجی | متغیر مستقل |        |
| ۰/۹۵          | ۰/۷۱    | ۰/۵۹     | ۰/۶۵۱        | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی سازنده متقابل  | دیدگاه فهمی خود  | ۰/۹۵         | ۰/۷۱        | ۰/۵۹   |
| ۰/۹۵          | ۰/۲۷۱   | ۰/۱۹۹    | ۰/۲۴۰        | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی سازنده متقابل  | دیدگاه فهمی همسر | ۰/۹۵         | ۰/۲۷۱       | ۰/۱۹۹  |
| ۰/۹۵          | -۰/۴۳۰  | -۰/۵۵۱   | -۰/۵۲۷       | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر | دیدگاه فهمی خود  | ۰/۹۵         | -۰/۴۳۰      | -۰/۵۵۱ |
| ۰/۹۵          | -۰/۰۸۵  | -۰/۱۵۵   | -۰/۱۱۹       | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر | دیدگاه فهمی همسر | ۰/۹۵         | -۰/۰۸۵      | -۰/۱۵۵ |
| ۰/۹۵          | -۰/۲۱   | -۰/۳۳    | -۰/۲۷        | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل | دیدگاه فهمی خود  | ۰/۹۵         | -۰/۲۱       | -۰/۳۳  |
| ۰/۹۵          | -۰/۰۹   | -۰/۰۴۱   | -۰/۰۱۶       | کیفیت زناشویی | الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل | دیدگاه فهمی همسر | ۰/۹۵         | -۰/۰۹       | -۰/۰۴۱ |

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که اثرات غیرمستقیم دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر از طریق متغیرهای میانجی (الگوی ارتباطی سازنده متقابل، الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر، الگوی ارتباطی اجتنابی متقابل) بر کیفیت زناشویی معنادار است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نتایج آزمون بوت استراپ برای این تمامی مسیرهای واسطه‌ای، در سطح آماری  $p < 0/05$  معنی‌دار است. فاصله‌ی اطمینان ۰/۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۲۰۰۰ است. با توجه به اینکه در تمامی مسیرها، صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، تمامی روابط واسطه‌ای مفروض معنی‌دار هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد هدف پژوهش حاضر، پاسخگویی به این سؤال است که آیا دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر به‌طور مستقیم بر کیفیت زناشویی تأثیر

1- Bootstrap

می‌گذارند یا اینکه دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر الگوهای ارتباطی (الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری و الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل) بر کیفیت زناشویی تأثیر دارند؟ تمامی مسیرهای مفروض در مدل پیشنهادی پژوهش مورد آزمون واقع شدند و همه مسیرها به جز مسیر تأثیر مستقیم دیدگاه فهمی خود بر کیفیت زناشویی تأیید شدند. به عبارتی دیگر نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان داد که دیدگاه فهمی خود به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر الگوهای ارتباطی (الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری و الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل) بر کیفیت زناشویی تأثیر دارد نه مستقیم. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد تمایل دارند عکس‌العمل‌های خود را به دیگران فرافکنی کنند. افراد در نشان دادن دیدگاه فهمی خود، ممکن است از دیدگاه فهمی واقعی فراتر روند. همچنین افراد تمایل دارند دیدگاه فهمی خود را بالاتر از آنچه وجود دارد نشان دهند. بنابراین ممکن است همانگونه که بیان می‌کنند دیدگاه فهم نباشند (بندر و هاستورف، ۱۹۵۳؛ به نقل از پارک، ۲۰۰۹). این یافته با پژوهش‌های پارک (۲۰۰۹)، بندر و هاستورف<sup>۱</sup> (۱۹۵۳) هماهنگ اما با پژوهش‌های دیویس و اثوت (۱۹۸۷)، لانگ و اندروز (۱۹۹۰)، شی و همکاران (۲۰۰۹)، دیویس و اثوت (۱۹۹۲)، تارنر (۱۹۷۸) و جنسن (۲۰۱۰) ناهماهنگ است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد دیدگاه فهمی همسر اثر مستقیم و معنادار بر کیفیت زناشویی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد دیدگاه فهمی همسر باعث بهبود کیفیت زناشویی می‌شود. این یافته با پژوهش‌های دیویس و اثوت (۱۹۸۷)، لانگ و اندروز (۱۹۹۰)، داکوف و تایلر (۱۹۹۰)، شی و همکاران (۲۰۰۹) و جنسن (۲۰۱۰) هماهنگ است. در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت زوجینی که دیدگاه یکدیگر را درک می‌کنند به دلیل گذشت بیشتر احتمال دارد که تعاملات مثبت داشته باشند و بنابراین احتمال بیشتری هست که در روابطشان حمایت‌کننده باشند. توانایی درک دیدگاه شریک

---

1- Bender and Hastorf



مخصوصاً در زمان تعارض، سازگاری زناشویی بالا را پیش‌بینی می‌کند. پذیرفتن دیدگاه شریک، منجر به اسنادی می‌شود که بیشتر موقعیتی بوده و کمتر شخصی است. این موضوع باعث می‌شود که موفقیت‌های همدیگر را به دلایل شخصی و شکست‌هایشان را به دلایل موقعیتی نسبت دهند. (گالپر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶؛ به نقل از جنسن، ۲۰۱۰) از آن جایی که دیدگاه فهمی یکی از مولفه‌های همدلی است، و همدلی رابطه مستقیمی با فعالیت‌های کمکی و روابط صمیمانه دارد، دیدگاه فهمی همسر می‌تواند زمانی را که زوجین با هم می‌گذرانند بیشتر کند. همچنین آنها را از عاطفی به همدیگر نزدیک کند. زیرا زمان صرف شده زوجین با هم یکی از مولفه‌های مهم کیفیت زناشویی است. یکی دیگر از مولفه‌های مهم کیفیت زناشویی تقسیم کار است. طبق نظریه تبادل اجتماعی اگر زوج احساس کند کاری که انجام می‌دهد عادلانه نیست، احساس ناخشنودی می‌کند. اما اگر احساس کند که همسرش او را درک می‌کند و به او توجه می‌کند، برای او پاداش‌دهنده است و همچنین تقسیم کار بهتر انجام می‌پذیرد. این فعالیت‌ها باعث حمایت زوجی بیشتری می‌شود. دیدگاه فهمی بیشتر با سطوح بالاتر گذشت و توانایی‌های حل مساله مرتبط است (ریزکالا، ورتیم و هاگسان، ۲۰۰۸).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر از طریق تأثیر بر الگوی ارتباطی سازنده متقابل بر کیفیت زناشویی اثر غیرمستقیم و معناداری دارند ( $P < 0/05$ ). در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی الگوی ارتباطی سازنده متقابل، این است که الگوی ارتباطی زوجین، از نوع برنده-برنده است و نه برنده-بازنده. در این الگو زوجین به راحتی در مورد مسائل و تعارضات خود گفتگو می‌کنند و به دنبال حل مسأله و حل تعارض خود برمی‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی مانند اجتناب و پرخاشگری استفاده نمی‌کنند. زوجینی که دارای الگوی ارتباطی سازنده متقابل هستند، از لحاظ هیجانی به یکدیگر نزدیک هستند، سعی می‌کنند، حتی‌الامکان اوقات بیشتری را با هم باشند، به یکدیگر علاقه دارند و سعی می‌کنند

---

1- Galper

احساسات یکدیگر را درک کنند. از طرفی دیدگاه فهمی، توسعه روابط هموار را تسهیل می‌کند (دیویس، ۱۹۸۳). دیدگاه فهمی می‌تواند به عنوان میانجی‌گری بین خود محوری و پاسخگویی ارتباطی باشد، که این پاسخگویی ارتباطی نیز منجر به رفتارهای همدلانه از قبیل دلداری دادن می‌گردد. افرادی که تمایل دارند تا در وضعیت‌های حل مسأله و در موقعیت‌های دشوار و مبهم، دیدگاه دیگران را درک کنند یا به عبارت دیگر بتوانند در شرایط بحرانی خودشان را جای دیگری بگذارند، بهتر از افراد خود محور می‌توانند اطلاعات همسر خود را دریافت و درک کنند و به آنها ارزش بدهند یعنی همان اندازه که این اطلاعات و مسائل برای همسرشان مهم است برای خودشان نیز اهمیت دارد. گرایش‌های دیدگاه فهمی در روابط یاورانه و همچنین روابط نزدیک باعث رضایت از رابطه می‌شود. همچنین باعث رضایت زوجین و رضایت آن از رابطه می‌شود و الگوهای ارتباطی آن‌ها را تقویت می‌کند. الگوهای ارتباطی زوجین در نتیجه‌ای به سوی کیفیت زناشویی و روابط طولانی مدت باز می‌کند (الووالو، ۱۹۹۷؛ هفتر، لوینگ و همکاران، ۲۰۰۶). این یافته با پژوهش‌های کارول و دورتی (۲۰۰۳)، جاکوبوسکی و ماین (۲۰۰۴)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۷)، شعاع کاظمی (۱۳۸۹)، حسن پور (۱۳۸۹) دیویس و اثوت (۱۹۸۷)، لانگ و اندروز (۱۹۹۰)، داکوف و تایلر (۱۹۹۰)، شی و همکاران (۲۰۰۹)، دیویس و اثوت (۱۹۹۲)، فیفر و ساچوتلیف (۱۹۹۶)، تارنر (۱۹۷۸) و جنسن (۲۰۱۰) هماهنگ است.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر در پژوهش حاضر نشان داد که دیدگاه فهمی خود و دیدگاه فهمی همسر از طریق تأثیر بر (الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری، الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل) بر کیفیت زناشویی اثر منفی غیرمستقیم و معناداری دارند ( $P < 0.05$ ). در تبیین احتمالی این یافته می‌توان گفت در روابطی که زوجین از الگوی ارتباطی اجتنابی استفاده می‌کنند، زوجین از بحث کردن با هم اجتناب می‌کنند و بر روی مسائل خود سرپوش می‌گذارند. در چنین روابطی، زوجین اجتناب کننده در رابطه زناشویی وابستگی زیادی به یکدیگر ندارند و خود افشایی بسیار کمی را در روابط زناشویی ابراز می‌کنند. چنین زوج‌هایی از بروز هر نوع تعارض اجتناب می‌کنند، دارای مهارت‌های

اندکی در جهت حل تعارض هستند و وقتی که تعارضی بوجود می‌آید، هر یک نظر خود را بیان می‌کند، ولی هیچ‌کدام، تلاشی برای متقاعد کردن طرف مقابل نمی‌کند و بحث آنها هیجانی و عاطفی نیست (فیتزپاتریک و پادزنیسکی<sup>۱</sup> ۱۹۹۴، به نقل از شرفی، ۱۳۸۴؛ به نقل از خجسته‌مهر، ۱۳۸۷). همچنین خود رأی بودن، بزرگ‌بینی و خودمحوری<sup>۲</sup> باعث می‌شوند که ارتباط به شکل درست صورت نگیرد. خودمحوری نقطه مقابل دیدگاه فهمی است و به معنی نادیده گرفتن آراء و افکار و نظرات دیگران است که مانع از شکل‌گیری مطلوب روابط انسانی می‌شود. وقتی افراد در صورت نداشتن دیدگاه فهمی مناسب، نتوانند پیامدها، عواقب و نتایج نامطلوب عدم ارتباط مناسب را پیش‌بینی کنند، باعث پایین آمدن رضایت طرفین از رابطه می‌شود. گاهی اوقات نیز به علت دیدگاه فهمی ضعیف، نیازهای زوجین در یک رابطه به‌طور آشکار ابراز نمی‌شود. یعنی طرفین از نیازهای همدیگر آگاه نمی‌شوند. بنابراین انتظارات آنها در این زمینه برآورده نمی‌شود. این موضوع مانع از شکل‌گیری ارتباط مناسب زوجین می‌شود. زوج‌هایی که الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری را در روابط خود به‌کار می‌برند، معتقدند که توسط همسرشان درک نمی‌شوند و همین امر باعث می‌شود، احساس دوست داشتنی نبودن کنند. طبیعی است که وقتی ارتباط ضعیف باشد و نیازها و انتظارات زوجین برآورده نشود، رضایت زناشویی و کیفیت زناشویی پایین خواهد آمد. این یافته هماهنگ با پژوهش‌های دیویس و اثوت (۱۹۸۷)، لانگ و اندروز (۱۹۹۰)، داکوف و تایلر (۱۹۹۰)، شی و همکاران (۲۰۰۹)، دیویس و اثوت (۱۹۹۲)، برنشتاین و دیویس (۱۹۸۲)، میر (۱۹۹۸)، استتس (۱۹۹۳)، پارک (۲۰۰۹) و جنسن (۲۰۱۰) است.

این یافته کاربردهای نظری و عملی را القا می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر نقش اساسی و تعیین‌کننده دیدگاه فهمی و الگوهای ارتباطی به عنوان سازه‌هایی موثر در بهبود کیفیت زناشویی تأکید می‌نماید. در سطح عملی، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، لازم است که دیدگاه فهمی ادراک شده در زوجین به منظور

1- Fitzpatrick &amp; Badziniski

2- egocentric

بهبود کیفیت زناشویی تقویت گردد و برای زوجینی که احیاناً از کیفیت زناشویی پایینی برخوردارند، با تقویت و بهبود دیدگاه فهمی ادراک شده، کیفیت زناشویی، در آن‌ها ارتقا یابد. علاوه بر آن، با توجه به تأثیر غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی از طریق الگوهای ارتباطی، ضروری به نظر می‌رسد که با آموزش الگوهای ارتباطی در زوجین کیفیت زناشویی آن‌ها تقویت گردد.

عمده‌ترین محدودیت پژوهش حاضر این است که با توجه به انجام پژوهش در جامعه شهر اهواز تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید با احتیاط و با توجه به ملاحظات فرهنگی مختلف صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد با اتکا به یافته‌های این پژوهش، در مورد متغیرهای مهمی مانند دیدگاه فهمی، الگوهای ارتباطی و کیفیت زناشویی که به نظر می‌رسد می‌توانند در روابط اعضای خانواده تأثیرگذار باشند، پژوهش‌های بیشتری انجام گردد. در نهایت برگزاری دوره‌های مختلف آموزش الگوهای ارتباطی و دیدگاه فهمی برای زوجین پیشنهاد می‌شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:

۹۲/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:

۹۲/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۹۲/۱۱/۳۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

## References

- حسن‌پور اصطهباناتی، ملیحه (۱۳۸۹). بررسی رابطه تعاملی استانداردهای زناشویی و الگوهای ارتباطی با کیفیت زناشویی معلمان متأهل شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خجسته‌مهر، رضا؛ کرای، امین؛ رجیبی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشابندها و پیامدهای گذشت درازدواج، فصلنامه مطالعات روانشناختی، ۱، ۱۶۲-۱۳۵.
- خجسته‌مهر، رضا؛ عطاری، یوسفعلی؛ شیرالی‌نیا، خدیجه (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زوجین شهر اهواز. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، انجمن مشاوره ایران، شماره ۲۷، جلد ۷، ص ۹۶-۸۱.
- شعاع‌کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۹). بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خوش نودی زناشویی، فصلنامه مطالعات روان شناختی زنان، سال ۸، شماره ۱، ص ۵۷-۷۰.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). مدلیابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات پیک فرهنگ.
- Allendorf, K., & Ghimire, D. (2012). Determinants of Marital Quality in an Arranged Marriage Society, Population Studies Center Research Report, 12-758
- Bernstein, W.M., & Davis, M.H. (1982). Perspective-taking, Self-consciousness, and Accuracy in Person Perception, *Basic and Applied Social Psychology*, 3, 1-19.
- Caughlin, J.P., & Huston, T.L. (2002). A Contextual Analysis of the Association between Demand/withdraw and Marital Satisfaction, *Peers Relationships*, 9, 95-119.
- Christensen, A. & Sullaway, M. (1984). Communication patterns Questionnaire, *Unpublished Questionnaire, University of California, Los Angeles*.

- Corinne A., Moss-Racusin, J., Good, J. & Diana T.S. (2010). Impact of Collective Gender Identity on Relationship Quality: When Men Feel Devalued. *Psychology of Men & Masculinity*, 1, 65-75.
- Davis, M.H. & Oathout, H.A. (1987). Maintenance of Satisfaction in Romantic Relationships: Empathy and Relational Competence, *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 397-410.
- Decety, J. (2010). The Neurodevelopment of Empathy in Humans, *DevNeurosci*, 2010; 32:257-267.
- Dymond, R.F. (1949). Ascale for the Measurement of Rmpathic Ability: *Journal of Consuling Psychology*, 13, 127-133
- Epstein, N., & Baucom, D.H. (2002). Enhanced Cognitive-behavioral Therapy for Couples: A Contextual Approach, Washington, DC: American Psychological Association.
- Franzoi, S.L., Davis, M.H., & Young, R.D. (1985). The Effects of Private Self-consciousness and Perspective Taking on Satisfaction in Close Relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 1584-1594.
- Glenn, N.D. & McLanahan, S. (1982). Children and Marital Happiness: A Further Specification of the Relationship, *Journal of Marriage and the Family*, 44, 63-72.
- Hatch, D.L. (2009). Factors That Influence the Sssociation between Sdult Attachment and Marital Satisfaction, *2006 Abstracts International*, 69, 6413.
- Heffner, K.L., Loving, T.J., Kiecolt-Glaser, J.K., Himawan, L.K., & Glaser, R. (2006). Older Spouses Cortisol Responses to Marital Conflict: Association With demand/withdraw Communication Patterns, *Journal of Behavioral Medicine*, 21, 317-325.
- Jensen, J.F. (2010). What Is Good Spousal Support? Examining Support Delivery and Outcomes, *A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of Auburn University*.
- Jacoboski, S.F., & Mine, E. (2004). *A Review of Empirically Supported Marital Enrichment Programs*, *Family Relations*, 53, 5-13.
- Karney, B.R. & Gauer, B. (2010). Cognitive Complexity and Marital Interaction in Newlyweds, *Personal Relationships*, 17, 181-200.

- 
- Larson, J.H., & Holman, T.B. (1994). Premarital Predictors of Marital Auality and Xtability, *Family Relations*, 43, 228-237.
- Lewis, R.A., & Spanier, G.B. (1979). Theorizing about the Quality and Stability of Marriage, In W.R. Burr, R. Hill, F.I. Nye & I.L. Reiss (Eds.) *Contemporary Theories about the Family*, Vol 1. Research-based Yheories, New York: The Free Press.
- Long, E.C.J. (1990). Measuring Dyadic Perspective-Taking: Two Scales for Assessing Perspective -Taking in Marriage and Similar Dyads, *Journal of Educational and Psychological Measurement*, 50, 90-105.
- Long, E.C.J., & Andrews, D.W. (1990). Perspective Taking as a Predictor of Marital Adjustment, *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
- Martini, T.S., Grusec, J.E., & Bernardini, S.C. (2001). Effect of Interpersonal Control, Perspective Taking, and Attributions on Older Mothers and Adult Daughters Satisfaction with their Helping Relationship, *Journal of Family Psychology*, 15, 688-705.
- Mead, G.H. (1934). *Mind, Self and Society*, University of Chicago Press, Chicago.
- Park, S.H., & Raile, A.N.W. (2009). Perspective-Taking and Communication Satisfaction in Coworker Dyads, *JournalBus, Psychology*, 1, 149-166.
- Piaget, J. (1932). *The Moral Judgment of the Child*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Shih, M., Wang, E., Trahan Bucher, A., & Stotzer, R. (2009). Perspective Taking: Reducing Prejudice towards General out Groups and Specific Individuals, *Group Processes and Intergroup Relations*, 12, 565-577.
- Stets, J.E. (1993). The link between Past and Present Intimate Relationships, *Journal of Family Issues*, 14 (2), 236-260.
- Weiss, R.L., & Heyman, R.E. (1990). Observation of Marital Interaction. In Finch am, F.D., and Bradbury, T.N. (Eds.), *The Psychology of Marriage: Basic Issues and Applications*, pp. 87-117.
- Weger, H. (2005). Disconfirming Communication and Self Verification in Marriage, *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 124-143.
-